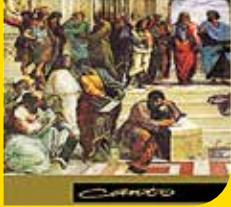


The Return of Grand Theory in the Human Sciences

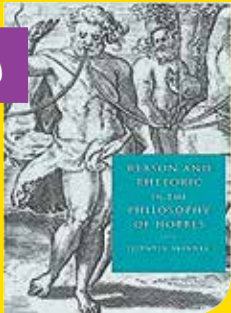
The Return of Grand Theory in the Human Sciences
Edited by QUENTIN SKINNER



Cambridge
University Press
1990

ربع قرن گذشته شاهد تحولات شگرفی در اندیشه اجتماعی و سیاسی بوده است. این مقالات مقدمه‌ای ضروری برای شناخت و بررسی برخی از تأثیرگذارترین آنان را ارائه می‌دهد. مقدمه کونتین اسکینر دگرگونی‌های گسترده‌ای مانند فرسایش مفروضات تجربه‌گرایانه و تضعیف آرمان پوزیتیویستی وحدت علوم تحت تأثیر سنت‌های وارداتی بر علوم اجتماعی انگلیسی زبان را دنبال می‌کند.

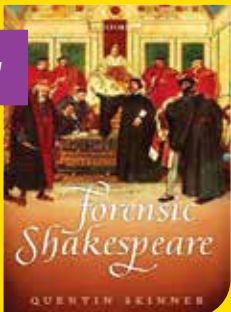
Reason and Rhetoric in the Philosophy of Hobbes



Cambridge
University Press
1997

این اثر برتر و اصلی از کونتین اسکینر، ارزیابی مجددی از نظریه سیاسی هابز را ارائه می‌دهد. این متفکر برای اولین بار با استفاده از طیف کاملی از نسخه‌های خطی و همچنین منابع چاپی، دیدگاهی کاملاً جدید از رشد فکری هابز را مستند کرده و تغییر فرهنگ اومانیستی به فرهنگ علمی در اندیشه اخلاقی و سیاسی اروپا را باری دگر مورد بررسی قرار می‌دهد. شاید بتوان این کتاب را مهم‌ترین پروژه‌ی پژوهشی مدرن در باب هابز دانست.

Forensic Shakespeare



Oxford University
Press
2014

این اثر در صدد آن است تا رویکردی نوین از خوانش شکسپیر را ارائه دهد. اسکینر در بازی با فیکورها، استفاده از اشعار قدیمی و همچنین تصویرسازی‌های محلی، نویسنده‌ی برتر سرزمین خود را پیشگام و جریان‌سازی می‌خواند که با به‌کمال رساندن بیشترین حد پتانسیل تاریخی، توانسته است بهترین نحو، شرایط خویش را به‌نمایش بگذارد.

هر چیزی است که به ذهنمان برسد و من طبیعتاً از یک ساختار مشخص در این مکاتبه استفاده نمی‌کنم، پس سریعاً می‌روم به سمت یک موضوع دیگر: «آزادی مقدم بر لیبرالیسم». پروفیسور اجازه بدهید کمی بی‌انصاف باشم، من احساس می‌کنم این دیدگاه تا حدود زیادی با شرایط امروزه هم‌خوانی ندارد و گویا تاریخ مصرفش تمام شده، باز هم می‌گویم من را یک انسان بی‌انصاف بدانید. نفی ناب، سرشت ذاتی دیالکتیک است که بدون شک در وجود خود دارای عناصر منفی و همین‌طور مثبت است که به‌عنوان یک مرحله تعیین‌کننده در اندیشه، فکر را پدید می‌آورد، پس من بابت این دیدگاه همان‌طور که از شما عذرخواهی می‌کنم، از شما ممنون هم هستم، چرا که این شما بودید که موقعیتش را پدید آوردید. خوب، برویم به سمت اصل مطلب. ابژه در وجود خود، یک نام است که در تعینات اندیشه و مفهوم از آن چیز که هست، به آن چیز که باید باشد، می‌رسد. در اصل منظور من این است که شناخت ما از یک مسئله بنا بر یک سری ساختار زبانی شکل می‌گیرد که ساختار تاریخ خود را تحلیل کرده و در ماهیت واسطه‌مند خویش به تاریخ دارای پیوندی زمانمند با اجتماعش است. لیبرالیسم یک مفهوم زمانمند است که ممکن است هر بار به شیوه‌ای تحلیل شود، پس صرفاً یک واژه تاریخی است. به عبارتی نفی این درک به‌خصوص از لیبرالیسم که برای شما مطرح شده است، در نخستین گزاره خود، متکی بر پذیرش اولیه مفهوم شماسست و بعد در گزاره دوم خود، بنا بر واژگانی که از جانب اسکینر بیان شده است، پیوند نخست خود را تبدیل به برخورد انتقادی نخست خود با مفهوم می‌کند. پس نقد، یک برداشت بی‌کران اما کلی برای «شخص» است. گفتیم تا به این مفهوم برسیم: «لیبرالیسم، هر چه که هست در ساختار زمان معنا می‌شود و آزادی نیز به‌مثابه یک واژه زمانمند خود را در درون ساختار تاریخی، چون واژه لیبرالیسم مفهوم می‌کند، چرا که واژه، در زبان زمانه بیان می‌شود». من اعتقاد دارم که آزادی و لیبرالیسم صرفاً یک سری واژه هستند و این برخورد تاریخ با آنان است که در یک شرایط به‌خصوص اجتماعی، اهمیت پیدا می‌کند. به اینجا دقت کنید: «لیبرالیسم و آزادی، دو مفهوم زمان محور هستند، پس تاریخ مقدم بر آزادی و لیبرالیسم است». باور کنید آزادی الان برخی کشورها، در مقابل لیبرالیسم مدنظر شما، به‌سان برخاستن ویرژیل در دوزخ است: «گمان می‌کنم کسی پیش از من، به چنین ترسی، مبتلا نشده باشد» [دوزخ/ سرود هفدهم/ ۱۰۶/ دانت].

باز هم نه، من اعتقاد دارم آزادی مقدم بر لیبرالیسم است. اول از همه اینکه آزادی یعنی برداشت بدون درگیری یا اجبار از منابع مورد نظر حقوق مدنی که در طول تاریخ بنا بر شرایطی مشخص شده است. حالا چرا آزادی مقدم باشد؟ مشخص است، برای اینکه آزادی در وجود انسان یک خواهش ذاتی است که حکومت نمی‌تواند آن را محدود کند و حالا در این موقعیت تمام هدف حکومت باید حفظ و حمایت از آن باشد. هدف تمامی حکومت‌ها، همان‌طوری که با رجوع به ندهام در کتاب بدان اشاره کردم، حفظ خیر و آسایش برای تمامی مردمان است و باید فارغ از فشار، آزادی به‌عنوان یک حق ذاتی برای انسان‌ها همواره حاضر باشد. حال در این بین فکر می‌کنی نقش مورخی چون من چیست؟ حفظ آدمیان از سقوط در وادی بدفهمی در باب مفهوم آزادی.



اما وابسته به گفتمان قدرتی هستند که واژگان آنان را مطرح می‌کند. پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که خطابه قدرت، گفتمان به فرجام رسیده و برتر تاریخی در یک موقعیت پراکسیس است که خود را در زبان یک ساختار قانونی مشخص مطرح می‌کند. حال بیاییم این را بگذاریم کنار خطابه عقل، به چه نتیجه‌ای می‌رسیم؟

راستش را بخواهی از این تز بسیار خوشم آمد. خطابه عقل به این مسئله اشاره دارد که هابز سعی می‌کند تا بین مردم یا بهتر است بگوییم، از زبان مردم دست به تحلیل مسائل سیاسی بزنند. من اعتقاد دارم که این مسئله در تمامی آثار هابز حاضر است، چه اولی یا چه آخری، هابز در ماهیت یک «زبان عمومی» سعی در تحلیل مسائل اجتماعی دارد. هابز به انسان بدبین نبود، این یک تحلیل مضحک و کودکانه از فلسفه هابز است، اشتباه نکند، هابز از مردمی که تأثیرپذیرفته بود سخن می‌گفت، یعنی افرادی که چون او مخالف با این شورش علیه اخلاقیات سلطنتی بودند. این دقیقاً نقطه‌ای است که ما بنا بر تحلیل تو بر خطابه قدرت می‌رسیم، چطور؟ هابز از گفتمان قدرت زمان خود تأثیر پذیرفته بود و حال سعی در تحلیل همه‌چیزی داشت که به او از این دوره‌ی تاریخی به ارث رسیده بود. در اصل هابز همواره سعی داشت تا در آثارش، به‌خصوص لویاتان، از تحلیل دولت به تشویق مردم مدنظرش برای حرکت به سوی تغییر برود، چرا که او چنین پتانسیلی را در مردم می‌دید. پس اینجا دو چیز مشخص شد: ۱- هابز از آدمی متفکر نبود، ۲- هابز از بودها به بایدها می‌رفت. شاید هابز مردم زمان خودش را خرافاتی می‌دانست، اما همچنان به تغییر آنان امید داشت و این چیزی است که من خطابه عقل می‌خوانم و احساس می‌کنم واژه خطابه قدرت نیز بسیار برای آن مناسب است.

می‌دانید که قصد ما در اینجا فقط صحبت درباره

من اعتقاد دارم آزادی مقدم بر لیبرالیسم است. اول از همه اینکه آزادی یعنی برداشت بدون درگیری یا اجبار از منابع مورد نظر حقوق مدنی که در طول تاریخ بنا بر شرایطی مشخص شده است. حالا چرا آزادی مقدم باشد؟ مشخص است، برای اینکه آزادی در وجود انسان یک خواهش ذاتی است که حکومت نمی‌تواند آن را محدود کند و حالا در این موقعیت تمام هدف حکومت باید حفظ و حمایت از آن باشد. هدف تمامی حکومت‌ها، همان‌طوری که با رجوع به ندهام در کتاب بدان اشاره کردم، حفظ خیر و آسایش برای تمامی مردمان است و باید فارغ از فشار، آزادی به‌عنوان یک حق ذاتی برای انسان‌ها همواره حاضر باشد